



## قدرت‌های منطقه‌ای و آینده جهان اسلام

مأنده ارکان\* - دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، تهران، ایران.  
دکتر اسدالله اطهری - استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۲۹

### چکیده

کشورهای مهم جهان اسلام ایران، ترکیه و عربستان سعودی با سه گفتمان شیعی، اخوانی و وهابی هر یک در صدد تأثیرگذاری بر مسلمانان و کسب رهبری جهان اسلام هستند. سه کشوری که با سیاست‌های خود تلاش می‌کنند با ایجاد نظم نوین منطقه‌ای، هژمون مسلط بر جهان اسلام شوند. ایران با داشتن ذخایر عظیم انرژی، موقعیت مهم ژئوپولیتیکی - استراتژیکی، تأکید بر دین و انقلاب اسلامی، عربستان سعودی با منابع بزرگ نفتی، حرمین شریفین و زادگاه اسلام و ترکیه به دلیل اهمیت استراتژیکی و گفتمان نوعثمانی‌گرایی هر یک سیاست‌های خاص خود را در منطقه اعمال می‌کنند. این سه رقیب تلاش می‌کنند وزنشان را در معادلات منطقه و جهان از طریق افزایش قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و فرهنگی افزایش دهند تا بر تصمیمات جهان اسلام تأثیرگذار باشند. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آینده‌ای جهان اسلام چگونه توسط قدرت‌های منطقه‌ای که با یکدیگر سازگاری ایدئولوژیک ندارند، رقم خواهد خورد. از دیدگاه آینده‌پژوهی، شناخت و معرفت از روندهای مستمر در منطقه جهان اسلام باعث تأثیرگذاری بر این جهان خواهد بود. در واقع آینده جهان اسلام وابسته به این است که قدرت‌های اسلامی و امت مسلمان در چارچوب اندیشه‌ها و خواسته‌های خود چه تصمیمات می‌گیرند و چه اقداماتی را در این راستا انجام خواهند داد.

کلید واژگان: قدرت‌های منطقه‌ای، ایران، ترکیه، عربستان سعودی، جهان اسلام.

## ۱. مقدمه

خاورمیانه با ده‌ها کشور کوچک و بزرگ، ضعیف و قدرتمند، فقیر و غنی و البته مسلمان به دلیل سه متغیر دین، جغرافیا و اقتصاد یعنی ایدئولوژی، موقعیت راهبردی و انرژی منطقه‌ای مهم و تأثیرگذار در نظام جهانی محسوب می‌شود، چنانکه این عوامل باعث شده به برخی از کشورهای این منطقه اهمیت ویژه‌ای در نظام منطقه‌ای و بین‌الملل داده شود. رقابت چند کشور مهم منطقه برای رهبری دنیای اسلام با گفتمان‌های ایدئولوژیک متفاوت باعث موضوعیت یافتن آینده جهان اسلام در افق ۱۴۱۴ (ه.ش) شده است. افقی که در آن انتظار می‌رود این جهان شاهد وحدت میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان برای حل بحران‌های سیاسی و اجتماعی و تأثیرگذاری بر آینده باشد.

سه کشور ایران، ترکیه و عربستان که هر یک دارای مؤلفه‌هایی از قدرت می‌باشند، که تلاش دارند با اعمال تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی ایدئولوژیک محور بر جهان اسلام تأثیرگذار باشند چنان‌که در خاورمیانه شاهد رقابت تهران، آنکارا و ریاض برای نقش‌آفرینی در منطقه و شاید هم برای کسب رهبری جهان اسلام هستیم. اما این جهان با بحران‌های مهمی دست و پنجه نرم می‌کند که باعث شده امیدواری‌ها در آینده نزدیک نسبت به آن کم شود.

بحران‌ها و مشکلات ملت‌ها و دولت‌های اسلامی آن‌قدر وسیع و عمیق است که شاید دهه‌ها برای حل و فصل آن زمان ببرد. بحران‌ها و چالش‌های خاورمیانه و شمال آفریقا اغلب در چارچوب محرومیت اجتماعی، فقر طولانی، فساد، پارتی‌بازی، تکیه به غرب برای امنیت و دفاع، وابستگی به غرب برای همکاری اقتصادی، کاهش منزلت مشروعیت سیاسی، غیبت حکومت قانون، مشکلات ثبات در ارتباط با رویه‌های جانشینی سیاسی نامشخص و سیستم‌های سیاسی بی‌تفاوت و غیرپاسخگو بیان شده است. در مجموع این چالش‌ها که معضلات داخلی، مشکلات ساختاری کشورهای جهان اسلام، ناآگاهی ملت‌ها، بحران‌های خارجی، بحران‌های سیاسی-امنیتی منطقه و هم‌چنین استفاده نکردن از فرصت‌ها و توانایی‌های یکدیگر را در بر می‌گیرد، باعث شده که مسلمانان نتوانند به جهان اسلام امیدوار باشند.

تهران، آنکارا و ریاض که دارای حوزه‌های نفوذ مشترک و مؤلفه‌های قدرت متفاوت و گاهی مشترک در خاورمیانه هستند هر یک تلاش‌هایی برای دست‌یابی به قدرت منطقه‌ای در طی سال‌ها داشته‌اند، تلاش‌هایی که با سه رویکرد شیعی، اخوانی و وهابی آمیخته شده و سیاست خارجی این کشورها هم از این مسأله تأثیر پذیرفته است.

ایران با تأکید بر اصول و ارزش‌های دین اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی خواهان دستیابی به رهبری جهان اسلام است. ترکیه با اعمال سیاست نوع‌ثمانی‌گری و با ایدئولوژی اخوانی خواستار الگو شدن برای کشورهای مسلمان می‌باشد. در حالی که عربستان سعودی با تأکید بر منابع نفتی و درآمدهای هنگفت، حرمین شریفین و زادگاه اسلام خواهان رهبری بر مسلمانان است. این‌گونه است که تهران، آنکارا و ریاض با دو نوع حکومت ریاستی و پادشاهی هر یک تأثیرگذاری ویژه‌ای در معادلات جهانی و منطقه‌ای دارند در حالی که تلاش می‌کنند رهبری جهان اسلام را به دست گیرند، جهانی که در آینده نزدیک نمی‌توان به آن خوشبین بود چرا که مبتنی بر روندهای زیر است: شیعه‌ستیزی، تروریسم تکفیری، حاکمان مستبد و نبود دموکراسی، عدم بلوغ فکری مسلمانان، فقر، نفوذ قدرت‌ها، جنگ‌های فرقه‌ای و بحران هویت که حل و فصل این مشکلات زمانبر است.

در این متن به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که ایران، ترکیه و عربستان دارای چه توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی هستند که بتوانند بر آینده مسلمانان در منطقه و جهان تأثیرگذار باشند و در این مسیر چه اقداماتی باید انجام دهند. پاسخ به این پرسش را بر اساس دیدگاه آینده پژوهی مورد مطالعه قرار می‌دهیم. بر اساس این دیدگاه قدرت‌های منطقه با شناخت و معرفت از روندها و جریان‌های سیاسی و اقتصادی مستمر در منطقه جهان اسلام تلاش می‌کنند بر آینده جهان اسلام تأثیر گذارند. در حالی که اهمیت این مقاله به دلیل اهمیت و میزان تأثیرگذاری ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آینده منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل است. نتیجه حاصل از این متن نشان می‌دهد که جهان اسلام دارای مشکلات فراوانی است که تنها اراده راسخ ملت‌ها و دولت‌های این منطقه با ارائه برنامه و الگوی «اسلامی - منطقه‌ای» می‌تواند بر آینده آن تأثیر گذارد.

برخی از کارهای تحقیقی که به نوعی با این مقاله در ارتباط است: کتاب آینده اسلام، شکل‌گیری ایده‌های آینده و کتاب آینده تمدن اسلامی از ضیاءالدین سردار. به باور وی آینده جهان اسلام به روی احتمالات دموکراتیک باز است اما مسلمانان درست عمل نمی‌کنند. وی اسلام را سرشار از منابع بالقوه‌ای می‌داند که مسلمانان باید از آن برای آینده استفاده کنند. آینده بدیل اسلامی باید از فرهنگ و تمدن دین اسلام منبعث شود لذا او «طرح عمران» را برای رسیدن به این آینده مطرح می‌کند. از طرف دیگر وی معتقد است که اسلام را زمانی درک می‌کنیم که مفاهیم آن را بتوانیم عملیاتی کنیم.

کتاب آینده اسلام از جان اسپوزیتو<sup>۱</sup>: در این کتاب به سؤالاتی مانند مسلمانان چه کسانی هستند، اصول دین اسلام چیست و آیا اسلام با مدرن بودن سازگار است یا خیر پاسخ داده شده است. وی معتقد است در آینده جهان اسلام حکومت‌هایی دینی به وجود می‌آید که متعهد به حقوق و آزادی‌های اساسی است اما لازمه این امر باز تفسیری دین اسلام است. اسپوزیتو معتقد است که اصلاح دین اسلام در قرن ۲۱ برای آینده مسلمانان، جهان اسلام و مواجهه با ترویس جهانی امری مهم به شمار می‌آید.

کتاب مسلمانان غرب و آینده اسلام از طارق رمضان. این کتاب که به جهانی بودن اسلام پرداخته بر این باور است که مسلمانان با ذهنی خلاق و دیدگاهی انتقادی باید با تلاش و کوشش، خود را از محرومیت‌های اجتماع برهانند در حالی که با نشان دادن تصویری صلح‌طلبانه از اسلام و اصول و ارزش‌های این دین جهانی، هویت مسلمانی خود را حفظ کنند.

کتاب قدرت‌های منطقه‌ای (ایران قدرت نوظهور) گردآوری و تدوین از محمد باقر خرمشاد. این کتاب شامل مجموعه مقالاتی درباره قدرت‌های منطقه‌ای است. نویسندگان این کتاب مفهوم قدرت منطقه‌ای را از لحاظ نظری و مفهومی تبیین کرده‌اند. در بخشی از این کتاب با آوردن دلایلی ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نوظهور معرفی شده است.

تفاوت این مقاله با دیگر کارهای انجام شده ارائه الگویی «اسلامی-منطقه‌ای» برای آینده جهان اسلام است. لذا پیشنهاد شده تا با استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و با ابتکار عمل در حل و فصل مسائل جهان اسلام، آینده این جهان را رقم بزنند.

## ۲. روش پژوهش

بر اساس دیدگاه آینده‌پژوهی، شناخت و معرفت از روندهای مستمر در منطقه بر آینده جهان اسلام تأثیر خواهد گذاشت چنانکه به گفته گیبینز: «زندگی در جهان مستلزم ساخت‌گشائی دائمی از حال است و این ساخت‌گشائی به وسیله معرفت‌های در حال تغییر درباره آنچه بوده (زمان گذشته) و به وسیله آنچه می‌تواند، خواهد بود (زمان آینده) صورت می‌گیرد» (Tajik, 2006:9). آینده مسلمانان دنیای اسلام هم وابسته به قدرت‌های اسلامی و هم اندیشه‌ها، خواسته‌ها و توانائی‌های امت مسلمان است که چه تصمیماتی می‌گیرند و چه اقداماتی را در این مسیر انجام خواهند داد. این‌گونه است که هدف از این مقاله شناخت میزان توانایی و ظرفیت‌های قدرت‌های منطقه و ملت‌های اسلامی، شناخت روندهای موجود، چگونگی حل و فصل بحران‌های جهان اسلام و روش احتمالی برون‌رفت از آن‌ها برای محتمل ساختن آینده‌ای مطلوب یا محتمل است.

## ۳. مفهوم قدرت منطقه‌ای

در ادبیات روابط بین‌الملل مفهوم قدرت منطقه‌ای به قدرتی گفته می‌شود که در منطقه جغرافیائی خود تلاش می‌کند به هژمونی مهم و تأثیرگذاری تبدیل گردد تا بتواند سیاست‌های مورد نظرش را بر کشورهای حوزه خود اعمال کند و بر دولت‌ها و ملت‌های منطقه تأثیر گذارد. در همین راستا معمولاً به کشورهایی قدرت منطقه‌ای گفته می‌شود که دارای جمعیت زیاد، تولید ناخالص داخلی بالا، سلاح متعارف قوی و در برخی موارد هم سلاح هسته‌ای داشته باشند (Nolt, 2014:8). قدرت منطقه‌ای بر اساس دیدگاه آینده‌پژوهی باید نظم و روندهای موجود منطقه را بر مبنای اصول و قواعدی تدوین کند که مورد قبول دولت‌های منطقه باشد تا منجر به چالش و بحران

نگردد و ملت‌های مسلمان بتوانند به اهداف خود دست یابند. لذا همسایگان این قدرت باید قدرت منطقه‌ای را به عنوان مسئول رهبری امنیت منطقه قبول کنند (Felems, 2014:95).

یک قدرت منطقه‌ای به واسطه مؤلفه‌های قدرت نرم (اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی) یا قدرت سخت (جنگ‌افزارهای نظامی) یا هر دو (امروزه بیش‌تر تأکید بر همراهی قدرت نرم با قدرت سخت است) اعمال قدرت می‌کند یعنی این قدرت باید با برقراری امنیت و ثبات، کسب مشروعیت سیاسی و مقبولیت داخلی قدرتی مهم و تأثیرگذار در منطقه باشد.

قدرت منطقه‌ای باید هنجارها، اصول و قواعد منطقه‌ای و بین‌المللی را خوب بشناسد و به آنان متعهد باشد تا قدرت چانه زنی‌شان افزایش یابد و دیپلماسی موفقی در کارنامه خود ثبت کنند. این در حالی است که این قدرت‌ها باید مانع از نفوذ و گسترش قدرت‌های دیگر در منطقه گردند، چرا که قدرت‌های منطقه‌ای معمولاً تحت الزامات و تصمیمات ابرقدرت‌ها قرار می‌گیرند و از آنان تأثیر می‌پذیرند، لذا رقابت گسترده برای کسب قدرت در هر منطقه جغرافیایی وجود دارد به‌ویژه این که منطقه از اهمیت استراتژیکی هم برخوردار باشد مانند خاورمیانه. علاوه بر این، یک قدرت منطقه‌ای ابتدا باید مشکلات ساختاری کشورش را حل و فصل کند تا از مقبولیت و مشروعیت داخلی برخوردار باشد و سپس نسبت به مشکلات و بحران‌های خارج از کشور خود توجه نشان دهد. پشتوانه داخلی مسأله مهمی در سیاست خارجی محسوب می‌شود چنانکه در دنیای سیاست، سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی می‌دانند. یک قدرت منطقه‌ای با تکیه بر دیپلماسی فعال، همکاری گسترده با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی باعث توانمندی‌اش برای کسب هژمونی در یک منطقه جغرافیایی می‌شود، لذا در جهان امروزه، اگر کشوری بخواهد بدون جنگ‌افزایی قدرتمند و تأثیرگذار باشد، باید گستره صلح را گسترده‌تر کند تا اعتمادسازی میان کشورها افزایش یابد. اگرچه جهان اسلام با تهدیدهای از سوی برخی قدرت‌های خارجی روبه‌رو است اما دولت‌ها و ملت‌های مسلمان باید با اتحاد و ائتلاف و شرکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند. هرچه بی‌ثباتی و بحران در منطقه بیش‌تر باشد طبیعتاً تعامل، همکاری و اعتماد کشورها به یکدیگر کم‌تر خواهد شد، چنانکه در زمان جنگ و بی‌ثباتی رشته اتحادها گسسته می‌شود و اعتمادها کم‌رنگ می‌گردد. این‌گونه است که

امروزه منطقه خاورمیانه به دلیل اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک شاهد رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای برای تأثیرگذاری بر جهان اسلام و کسب رهبری آن است.

#### ۴. قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه، عربستان سعودی

سه کشور ایران، ترکیه و عربستان تلاش می‌کنند بر آینده جهان اسلام تأثیرگذار باشند لذا هر یک با پشتوانه‌های از متغیرهای سیاسی - اقتصادی و ایدئولوژی در حال رقابت هستند. ایران با ظرفیت‌ها و منابع طبیعی، موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک، تمدنی غنی، تأکید بر دین اسلام و البته دیپلماسی فعال تلاش می‌کند تا رهبری جهان اسلام را به دست آورد. در همین راستا همه ساله با برپایی نشست‌های از جمله کنفرانس وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، کنگره حج، همایش‌هایی در رابطه با فلسطین و بیداری اسلامی در صدد گسترش دین اسلام و افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای‌اش در میان مسلمانان جهان است. کمک‌های مالی به مردم فلسطین، یمن و سوریه و تبلیغات گسترده برای صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف جهان در همین راستا ارزیابی می‌شود. حضور در میان مسلمانان و شیعیان جهان: سوریه، یمن، لبنان، بحرین، عراق، کویت، آذربایجان، عربستان و تأثیرگذاری بر شیعیان هزاره افغانستان نشان از این امر دارد که ایران تلاش می‌کند نفوذ خود را میان مسلمانان جهان افزایش دهد. البته این در حالی است که برخی از کشورهای غربی معتقد هستند که سیاست‌های این کشور در منطقه خاورمیانه از جمله حمایت از شیعیان، معضلات امنیتی منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده و منطقه با چالش روبه‌رو شده است. سوزان مالونی یکی از نویسندگان اندیشکده بروکینگز در مقاله‌ای بر این باور است که ۵ عامل باعث افزایش نقش منطقه‌ای ایران شده است: میراث امپراطوری، شیعه، سیاست‌های ضدامپریالیستی، سیاست‌های داخلی، بدگمانی و امنیت حکومت (Maloney, 2018: 2-9). وی هم‌چنین معتقد است که افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران نتیجه غیرمستقیم برجام نیست بلکه بیداری اسلامی و دخالت نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق منجر به این مسأله شد. اگرچه برخی از تحلیل‌گران بر این باور هستند که توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ باعث شد که وزن منطقه‌ای ایران در منطقه و جهان افزایش یابد و این کشور از انزوای خارج گردد. به این دلیل که ایران نشان داد برطبق تعهدات جهانی عمل می‌کند و قصد بر هم زدن نظم موجود یا بحران در منطقه ندارد.

در همین راستا، در کانال The learn Fact نقش و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران این‌گونه بیان شده است: به لحاظ اقتصادی با توجه به منابع عظیم نفتی، ایران می‌تواند مناطق نفتی جنوب عراق و افغانستان را تحت تأثیر قرار دهد و نقش عربستان را در منطقه کاهش دهد و به علاوه از نظر نظامی ایران مجهز به شناورهای دریایی نسل جدید و برنامه‌های مدرن در زمینه فضایی است که به نظر می‌رسد که این کشور در حال رشد سریع و در حال تبدیل شدن به چین خاورمیانه است. این‌گونه است که نیویورک تایمز می‌نویسد از منظر تئوری، هیچ کشور اسلامی دارای جایگاه بهتری نسبت به ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، ثروت و خرد مردم آن برای ایفای نقش اساسی در منطقه خاورمیانه نیست، اما این پتانسیل به دلیل حضور نیروهای ایرانی در عراق و سوریه و مداخله در یمن و لبنان کم‌رنگ شده و حس انزجار مشترکی را میان واشنگتن و تهران بوجود آورد. لذا اگر ترامپ به موضوع ثبات در خاورمیانه اهمیت می‌دهد همان‌طور که پیشنهاد کرد، او باید دولت ایران را نیز در این مسیر شرکت دهد.

امروزه، ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار و فعال در نظام بین‌الملل شناخته می‌شود، به این دلیل که با توجه به مؤلفه‌های قدرت در معادلات منطقه‌ای تأثیرگذار بوده به علاوه این‌که بر گسترش روابط سیاسی و اقتصادی خود را با دیگر کشورها اهمیت می‌دهد که این امر را می‌تواند هم ناشی از تحولات جهانی و هم شرایط داخلی و موقعیت ایران دانست. به باور باری‌روبین تحولات اوایل قرن بیست و یکم در نظام جهانی به ایران فرصت داد تا قدرت و نفوذ خود را اعمال کند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به دنبال آن ظهور شش کشور مسلمان، قیمت بالای نفت، تهاجم آمریکا به عراق که باعث شد مهم‌ترین دشمن ایران یعنی صدام حسین حذف شود، عملیات خلع ید دولت افغانستان به رهبری آمریکا که منجر به حذف یک گروه متخاصم با تهران شد، انحطاط دنیای عرب، بحران لبنان در اوت ۲۰۰۶، سیاست تهاجمی دولت احمدی‌نژاد و اشتیاق بیش‌تر برای فعالیت در خارج از مرزهای ایران (Robin, 2014: 251-247) و از طرفی تهران همیشه به تعهدات جهانی عمل کرده و پایبند است، چنان‌که با انعقاد برجام و تعهد ایران به جامعه جهانی نشان داد که این کشور به قوانین و هنجارهای بین‌المللی احترام می‌گذارد و به امنیت، صلح و ثبات در منطقه اهمیت می‌دهد. تهران حتی پس از خروج آمریکا از برجام با



کشورهای اروپایی در این زمینه گفت‌وگوهای مفصلی داشته که نشان از عدم انزوای تهران در صحنه جهانی است. در این رابطه اشپیگل<sup>۱</sup> به نقل از دیپلماسی ایرانی می‌نویسد ایران به دنبال این است که پس از چندین دهه انزوا بتواند اهمیت و جایگاه سابق خود را به دست آورد چنان‌که هر چه تعداد کشورهایی که زیر نفوذ و کنترل ایران شیعی بیشتر باشد، ایران بیش‌تر احساس قدرت می‌کند و هر چه عربستان سعودی بیش‌تر تحت فشار باشد، ایدئولوژی وهابیسیم نیز محدودتر خواهد شد. لذا امروزه هدف تهران گسترش نفوذ خود در میان شیعیان جهان است تا بتواند با گسترش سیاست‌های خود در میان شیعیان تأثیرگذار باشد. در همین رابطه، ولی‌نصر اسلام‌شناس و متفکر سیاسی در فارن پالسی<sup>۲</sup> می‌نویسد که امروزه خاورمیانه ساختار شیعی دارد. خاورمیانه به نظمی جدید نیاز دارد، اما بنیان‌های منطقه متحول شده‌اند؛ شیعیان بار دیگر به دنبال جایگاه واقعی خود در منطقه هستند، انزوای ایران از میان رفته است و عربستان و بسیاری از کشورهای عرب منطقه خواستار بازگشت به وضعیت پیش از جنگ عراق هستند. به نظر می‌رسد که زمان آن فرا رسیده است که با واقعیت جدید منطقه‌رو به‌رو شویم: خاورمیانه جدید بیش‌تر ساختار شیعی دارد و جایگاه ایران در آن بالاتر است. تا زمانی که منطقه خود را با این واقعیت مهم تطبیق ندهد، خاورمیانه صلح را به خود نخواهد دید و رقابت‌های ایران و عربستان نیز پایان نخواهد یافت (Nasr, 2015).

پس ایران توانسته به قدرت منطقه‌ای مهمی در جهان اسلام تبدیل شود که نظم جدیدی در خاورمیانه رقم زده است لذا دیگر قدرت‌ها هم باید این قدرت را پذیرش کنند. به باور کوپر<sup>۳</sup> پذیرش نقش رهبری یک کشور توسط کنشگران درون منطقه برای قدرت منطقه‌ای حیاتی و مهم است تا از کاهش قدرت ناشی از موانع بوجود آمده، به ویژه توسط قدرت‌های منطقه‌ای درجه دوم، دوری کند (Felems, 2014:95).

بعد از ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا (۲۰۱۶ میلادی) و ایجاد مثلث قدرت کوشنر، نتانیاهو و بن‌سلمان فشارها بر تهران بیش‌تر شده است. اسرائیل تلاش می‌کند بعضی از کشورهای

---

1. Eshpigel  
2. Faren Palesi  
3. Koper

اسلامی را برای مقابله با ایران متحد کند چنان‌که نخست وزیر اسرائیل به عمان سفری داشت و با متحد عرب و قدیمی ایران دیدار کرد. از طرفی واشینگتن تلاش می‌کند اعراب را با اسرائیل متحد کند و در عوض به مقابله با نفوذ ایران در منطقه از جمله سوریه بپردازد. با این وجود تهران تلاش می‌کند که در جهان اسلام و به ویژه جهان تشیع، نقش فعالی ایفا کند تا رهبری جهان اسلام را به دست گیرد. اگرچه به باور باری‌روبین قدرت منطقه‌ای ایران صرفاً به علت حکومت اسلامی در ایران یا بحث هسته‌ای نیست، بلکه به علت عوامل دیگری هم‌چون داشته‌های ژئوپولیتیک و خلأ قدرت نسبی در منطقه است (Robin, 2014: 245-246). این‌گونه است که ایران به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و دیگر مؤلفه‌های قدرت می‌تواند به عنوان یک قدرت تأثیرگذار در معادلات جهانی و منطقه‌ای محسوب می‌شود و نفوذ خود را افزایش دهد. اما با توجه با این داشته‌های قدرت هنوز تهران نتوانسته رهبری جهان اسلام را به دست گیرد چرا که نیازمند تحولات در داخل کشور است. برای رسیدن به این هدف ابتدا باید بین نخبگان جامعه در تمام امور مملکتی اجماع و سازش باشد تا مشکلات داخلی حل و فصل گردد، یعنی آشتی ملی در سیاست داخلی، رفع مشکلات اقتصادی و البته تعامل بیش‌تر با جهان تا این کشور به ثبات سیاسی و اقتصادی دست یابد (Arkan, 2016: 248).

ترکیه، همسایه و رقیب ایران در منطقه از دیگر کشورهای مسلمان است که خواهان نقشی مرکزی و رهبری بر جهان اسلام است. ترکیه کشوری با اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی از تأثیرگذاری ویژه‌ای در معادلات منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است. محل اتصال جهان اسلام (آسیا) به جهان مسیحیت (اروپا)، کنترل تنگه بسفر و داردانل، اقتصادی پویا، عضویت در ناتو، اسلام‌گرایی مدرن (پسااسلام‌گرایی)، گفتمان نوعثمانیسم و کنترل دجله و فرات (آب)<sup>۱</sup> یعنی متغیرهای جغرافیایی، اقتصادی، نظامی، ارزشی و زیست محیطی - امنیتی بر این اهمیت افزوده است. ترکیه امروزی که میراث امپراطوری عثمانی را به دوش می‌کشد زمانی تنها امپراطوری دینی در جهان بود که بر مسلمانان جهان سلطه داشت و آینده جهان اسلام در دستان

۱. امروزه به علت کمبود آب و بحران و چالش‌های ناشی از آن این متغیر کاربرد امنیتی پیدا کرده است.

سلاطین این سرزمین رقم می‌خورد. در دوران سلطنت عبدالحمید دوم، این سلطان به دلایلی به دین اسلام تأکید و توجه بیشتری نشان داد، چنانکه با طرح ایدئولوژی «پان‌اسلامیسم» خواهان احیای اندیشه خلافت اسلامی و گسترش سیاست پان‌اسلامیسم بود (Ahmadi, 1990: 109-110). این‌گونه است که امروزه ترکیه با اعمال سیاست «نوعثمانی‌گرایی» در صدد است تا دوباره رهبری جهان اسلام را به دست گیرد و الگوی کشورهای منطقه شود لذا تلاش می‌کند از طریق فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشورهایی که قبلاً تحت سیطره امپراطوری عثمانی بوده نفوذ کند: از بالکان، آفریقای شمالی تا آسیای میانه و قفقاز. آنسکار جودیک در بروکینگز می‌نویسد: سیاست‌گذاری ترکیه همواره توازن مناسبی از قدرت نرم مذهبی با منافع سیاسی در هر دو کشور گرجستان و جمهوری آذربایجان بوده است. شرایط پس از اختلافات بین اردوغان و گولن تغییر کرد به این دلیل که نهادهای وابسته به جنبش گولن در جمهوری آذربایجان تحت فشار ترکیه تعطیل شدند و آنکارا اقدامات جدیدی را برای ایجاد توازن در میان نفوذ مذهبی و سیاسی در پیش گرفت (Jodik, 2018).

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه (۲۰۰۲) حمایت از مسلمانان جهان در دستور کار این دولت قرار گرفت. چنانکه در اجلاسیه داووس سوئیس شاهد مشاجره لفظی اردوغان و شیمون پرز برای مردم غزه بودیم. محکوم کردن اسرائیل در رابطه با حادثه کشتی مرمره، سخنرانی اردوغان در لیبی، تونس و مصر، واکنش تند نسبت به کشتار مسلمانان برمه و اعلام بی‌تفاوتی رهبران جهان نسبت به این مسأله و برگزاری اجلاسیه سران کنفرانس اسلامی در استانبول - رهبران کشورهای مسلمان در این نشست با انتشار بیانیه‌ای از جامعه جهانی درخواست کردند که قدس شرقی را به عنوان پایتخت رسمی کشور فلسطین به رسمیت بشناسند - در راستای حمایت ترکیه از مسلمانان جهان است. ترکیه در گسترش روند دموکراتیک‌سازی بعد از به قدرت رسیدن دوران اردوغان بیش‌تر به گسترش نهادهای مدنی، حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی تأکید و توجه بیشتری کرد اما با شروع بحران سوریه و کودتای ۱۵ ژوئن و سیاست‌هایی که اتخاذ کرد این کشور تحت فشار قرار گرفته است. دولتی که تا حد زیادی روند دموکراتیزاسیون را پشت سر گذاشته و در صدد تثبیت دموکراسی از طریق اصلاح قانون اساسی سکولار بود اما

با وجود این اردوغان در زمینه حقوق بشر و اقلیت‌ها با انتقادات و چالش‌های روبه‌رو است (Arkan, 2016:5).

ترکیه با توجه به این که از جایگاه خوب اقتصادی، نظامی و پذیرش بین‌المللی در منطقه برخوردار است اما به دلیل شرایط منطقه خاورمیانه به چند دلیل: رقابت سنتی مبتنی بر توازن قوا، عدم پذیرش از سوی دیگر دولت‌ها، یک‌دست نبودن منطقه، تنوع مؤلفه‌های هویتی در منطقه و البته شرایط داخلی موجود نمی‌تواند رهبری کشورهای منطقه را به عهده بگیرد، لذا خاورمیانه منطقه‌ای است که دارای از هم گسیختگی‌های قومی، مذهبی، دینی و زبانی عمیق است که هیچ کشوری و حتی ترکیه نمی‌تواند آن‌ها را زیر یک پرچم واحد به رهبری خود متعهد گرداند (Gholami, www.peace.ipsc.org/fa). اگرچه به دلیل رابطه خوب اعراب با ترکیه، این کشورها مدل اسلام‌گرایی ترکیه - اسلام و لیبرال دموکراسی - را قبول دارند، لذا «پذیرش» یکی از مؤلفه‌های قدرت برای کسب رهبری یک کشور در منطقه است. امروزه تهران و آنکارا با توجه به موقعیت خود هریک تلاش‌های گسترده‌ای برای نفوذ در میان مسلمانان جهان دارند مثلاً رقابت این دو کشور در میان مسلمانان جهان از جمله در دو کشور آذربایجان و گرجستان.

در راستای این تلاش‌ها به نظر می‌رسد که در منطقه خاورمیانه رقابت میان تهران و آنکارا برای رهبری جهان اسلام به دلیل موقعیت خاص جغرافیائی و سابقه تاریخی معقول‌تر به نظر می‌رسد تا تلاش‌های عربستان چرا که این کشور حاصل قرارداد سایکس - پیکو و تجزیه امپراطوی عثمانی است و نه حاصل تشکیل ملت - دولت. این گونه است که ایفای نقش یا مدل، همراه شدن پیشرفت‌های اقتصادی و دموکراسی قابل قبول ایران و ترکیه با اراده دو دولت برای الگوسازی منجر به رقابت سنگین دو طرف برای ترویج گفتمان‌های خود در کشورهای منطقه شده است (Niaouai et al, 2017:441).

عربستان سعودی از دیگر کشورهای مهم منطقه جهان اسلام است که نقش مهمی در تحولات این جهان دارد. این کشور به دلیل درآمد حاصل از منابع نفتی، در اختیار داشتن حرمین شریفین و البته زادگاه اسلام در رقابت با تهران و آنکارا برای رهبری جهان اسلام است. تهران و ریاض علاوه بر رقابت مذهبی، در خلیج فارس و مدیترانه رقابت ژئوپولیتیکی روز افزونی با یکدیگر

دارند (Mabon, 2016: 217). این‌گونه است که تهران و ریاض هریک درصدد گسترش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک خود در جهان هستند. اما سیاست‌های سلفی‌گری، حمایت از تروریسم تکفیری، عدم رعایت حقوق شهروندان شیعه و آزادی‌های دموکراتیک، شیعه‌ستیزی در جهان اسلام، سرکوب مخالفان توسط عربستان نشان می‌دهد که این کشور نمی‌تواند رهبری جهان اسلام را در دست بگیرد. علاوه بر این ریاض با ادعای نفوذ در جهان اسلام برنامه‌ها و طرح‌هایی برای افغانستان و آسیای مرکزی و هند دارد ولی بدون آن‌که پیشنهاد و الگویی برای مناسبات سیاسی و اجتماعی و امنیتی در منطقه ارائه دهد از تمام گروه‌هایی که دشمنی خود را با شیعه علنی کرده و علیه این گروه از معتقدان اقدام نمایند، حمایت همه‌جانبه می‌نماید لذا این استراتژی عربستان نیز باعث بی‌ثباتی در منطقه شده است (Malaek: 2014). با توجه به مؤلفه‌های قدرت در ایران، ترکیه و عربستان که باعث قدرتمندتر شدن این سه نسبت به دیگر کشورهای جهان اسلام گشته تهران، آنکارا و ریاض در تحولات امنیتی خاورمیانه و جهان اسلام قدرت‌های تأثیرگذار محسوب می‌گردند. به این دلیل که هر یک درصدد گسترش عمق استراتژیک خود در جهان اسلام هستند و با یکدیگر رقابت نزدیکی در منطقه البته با ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند، چنان‌که در مسأله سوریه و یمن شاهد بودیم. از طرفی عربستان سعودی برای تشکیل یک کردستان بزرگ با کمک اسرائیل و البته به روش مسالمت‌آمیز قصد دارد که قدرت ایران، ترکیه و عراق را در منطقه کم‌رنگ کند و از نفوذ آنان بکاهد. ایران و ترکیه می‌توانند از ظرفیت‌ها و توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود از طریق همکاری و تعامل بر جهان اسلام اثرگذار باشند. مثلاً تهران و آنکارا می‌توانند با توجه به امتیازات و توانایی‌های که دارند یکدیگر را پوشش دهند. دیپلماسی ایرانی در گزارشی از محمد فرازمند در سخنانی در نشست روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب آورده است: «همکاری و نفوذ ایران با جهان عرب از طریق ترکیه و نفوذ و همکاری ترکیه در جهان تشیع با ایران» و هم‌چنین تهران و آنکارا می‌توانند با حمایت مشترک از اسلام‌گرایی میانه‌رو و کمک به نظام‌های نوپای عربی به جای تقابل، تعامل و همکاری خود را در خاورمیانه افزایش دهند. فرازمند ادامه می‌دهد که ترکیه کشوری غیرعرب و سنی است و ایران می‌تواند از طریق ترکیه و حزب عدالت و توسعه با جهان اهل سنت و اسلام‌گرایان

میان‌رو سنی تعامل برقرار کند و همچنین ایران کشوری غیرعرب و شیعه است و ترکیه می‌تواند از طریق ایران با جهان تشیع در خاورمیانه و جهان عرب تعامل برقرار کند. اما در رابطه با عربستان به دلیل داشتن عقاید وهابی و افراطی با ایران و ترکیه دارای اختلافاتی می‌باشند که برای تأثیرگذاری بر آینده جهان اسلام باید این اختلافات حل و فصل گردد تا بتوانند به هدف خود دست یابند. به باور ما بون حل و فصل مشکلات داخلی در سعودی و ایران، پذیرش وسیع و مدارای اختلافات دکترینی در اسلام، رفتار کنترل شده در منطقه خاورمیانه، در نظر گرفتن نقش ایالات متحده در خلیج فارس، حل مشکل هسته‌ای ایران (Mabon, 2016: 219-220) باعث می‌شود که اختلافات میان تهران و عربستان بهبود یابد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

به عنوان واپسین کلام، گفتمان حاکم بر «آینده جهان اسلام» باید بر ساخته‌ای از عقلانیت، منطق سیاسی و رواداری باشد. اتخاذ راهبردی که در دنیای بی‌رحم نظام بین‌الملل ثبات، امنیت و پیشرفت را برای آینده کشورهای مسلمان به ارمغان آورد. راهبردی که همراه با شناخت و معرفت از روندهای موجود، اراده‌ای قوی، غنیمت شمردن فرصت‌ها و البته با ابتکار عمل و اعتماد همراه باشد. یعنی الگویی که بر اساس فهم مشترک و البته با توجه به منافع ملی قدرت‌های منطقه‌ای در نظر گرفته شود، لذا این الگوی «اسلامی - منطقه‌ای» باید:

الف) به شناخت دقیق از روندهای موجود حاکم بر منطقه تأکید کند. قدرت‌های منطقه‌ای برای شکل‌دهی و آینده‌سازی جهان اسلام باید با شناخت از گذشته و حال روندهای موجود در جهان اسلام، آینده خود را رقم بزنند. آینده، با معرفت از گذشته و حال روندهای موجود که نظم منطقه را به چالش کشیده برای زندگی راحت‌تر و امن‌تر ترسیم خواهد شد.

ب) وابسته به خواست و اراده ملت‌ها و دولت‌های مسلمان باشد. وابسته به این امر است که قدرت‌های اسلامی و امت مسلمان با اراده‌ای راسخ در چارچوب اندیشه‌ها و خواست‌های خود چه تصمیماتی می‌گیرند، چرا که آینده هر ملتی به دست خود رقم خواهد خورد.

ج) از فرصت‌های بوجود آمده برای آینده برنامه‌ریزی کند که البته باید با ابتکار عمل همراه گردد. قدرت‌های منطقه‌ای باید داشته‌ها و امکانات خود را به عنوان یک فرصت در نظر بگیرند به این

دلیل که استفاده از فرصت‌ها نوعی دوراندیشی است. فرصت‌های به وجود آمده برای هر جامعه ممکن است مادی یا معنوی باشد. موقعیت استراتژیک و منابع موجود در یک کشور یک نوع فرصت مادی است پس باید این منابع به طور برابر برای همه مورد استفاده قرار گیرد، چنانکه باید فقر و معضلات اقتصادی در کشورهای مسلمان برطرف گردد یعنی توسعه اقتصادی و رفاه مادی. البته توسعه در هر کشوری باید متوازن و همه‌جانبه باشد تا پیشرفت حاصل گردد. از طرفی دیگر، مذاکره و گفت‌وگو با دیگر کشورها اعم از دوست و دشمن هم فرصت معنوی است، لذا باید از فرصت‌های موجود معنوی و مادی استفاده کرد و با تأمل و فراست به آنان نگریسته شود.

د) با تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی و عملی کردن این ارزش‌ها و اصول به طور برابر برای همه مسلمانان جهان باشد. حساسیت مساوی نسبت به ظلمی که به مسلمانان تمام جهان شده از مسلمانان فلسطین تا هر نقطه از جهان فرصتی است که قدرت‌های اسلامی می‌توانند ثابت کنند که اصول و مفاهیم اسلامی مانند عدالت و برابری را عملیاتی کرده‌اند. به نظر می‌رسد طی کردن این چهار مؤلفه برای جهان اسلام که با بحران و چالش‌های مهمی دست و پنجه نرم می‌کند، زمانبر است. اما مسلمانان باید به آینده این جهان امیدوار باشند، چرا که این‌گونه تلاش‌ها و صبوری‌ها است که آینده جهان اسلام را معنا می‌بخشد و امید مسلمانان را به آینده خود بیش‌تر خواهد کرد.

## ۶. قدرت‌دانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی قزوین واحد تاکستان تشکر و قدردانی نمایند.

## References

1. Ahmadi, Hamid (1990). *The Roots of Crisis in Middle East*, Tehran, First Edition, Kihan Publications. **[In Persian]**
2. Arkan, Maedeh (2016). *The Clash of Ideologies in Turkey: From Ottomanize to Neo- Islamism* Qom, Firth Edition, Research Institute of Hawzeh and University. **[In Persian]**
3. Ehteshami, Anoshiroan (2006). *Islam as a political force in international politics in Islam in world politics*, Nelly LaHood and Anthony Johns. Routledge.
4. Felmes, Daniel (2014). *Case Study of Atrial: The Conceptualization of Regional Power in International Relations: Learned Lessons from the Case of South Africa*, in the *Region Powers: Iran: Newly Emerged Power*, compiled by Mohammad Bghrer Khorram Shad, translated by Zakaria Ghadri, First Edition, Tehran, Scientific and Cultural Publication Company. **[In Persian]**
5. Gholami, Tahmuresth (2012). *Why Turkey Do Not Be a Leader*, www.Peace. ipsc /fa. **[In Persian]**
6. Jodik, Anaskar (2018). *The Soft Power of Iran and Turkey in Southern Caucasus*, www. irdiplomacy.ir. **[In Persian]**
7. Mabon, Saimon (2016- 2013). *Saudi Arabia: And Iran Power and Rivalry in The Middle East*. I.B. Tauris and Co.Ltd.
8. Malaek, Hossain (2015). *The Complexities of Iran Relations with Two Regional Rivals*, www. irdiplomacy.ir. **[In Persian]**
9. Maloney, Suzanne (2017). *The Roots and Evolution of Iran's Regional Strategy* ,The Atlantic Council. 2- 9.
10. Nasr, Vali (2015). *The Middle East of New Has Shiite Structure*, www.irdiplomac-y.ir. **[In Persian]**
11. Niaouai, seyed Amir; Rezapour, Danial; Fazeli, Saman (2017). *The Theory of Role and Competition of Iran and Turkey in Middle East in Government of Justice and Development Party*, Quarterly of Political Researches of Islamic World, 8th year, issue 2. **[In Persian]**
12. Nolt, Dawn (2014). *How to Compared Regional Powers*, compiled by Mohammad Bagher Khorram shad, Translated by Sayed Mohammad Sadati nezhad, first edition, Tehran, Scientific and Cultural Publication Company. **[In Persian]**
13. Robin, Bari (2014). *Iran: Appearance of a regional Power* , in *The Region Powers: Iran: Newly Emerged Power*, compiled by Mohammad Bagher Khorram shad, translated by Mohsen Shah mohammadi, first edition, Tehran, Scientific and Cultural Publication Company. **[In Persian]**
14. Tajik, Mohamad Reza (2006). *The Voice of Future: Fourth decade and Future's of Iranian Society*, first Edition, Tehran: Farhang Gofteman Publication. **[In Persian]**